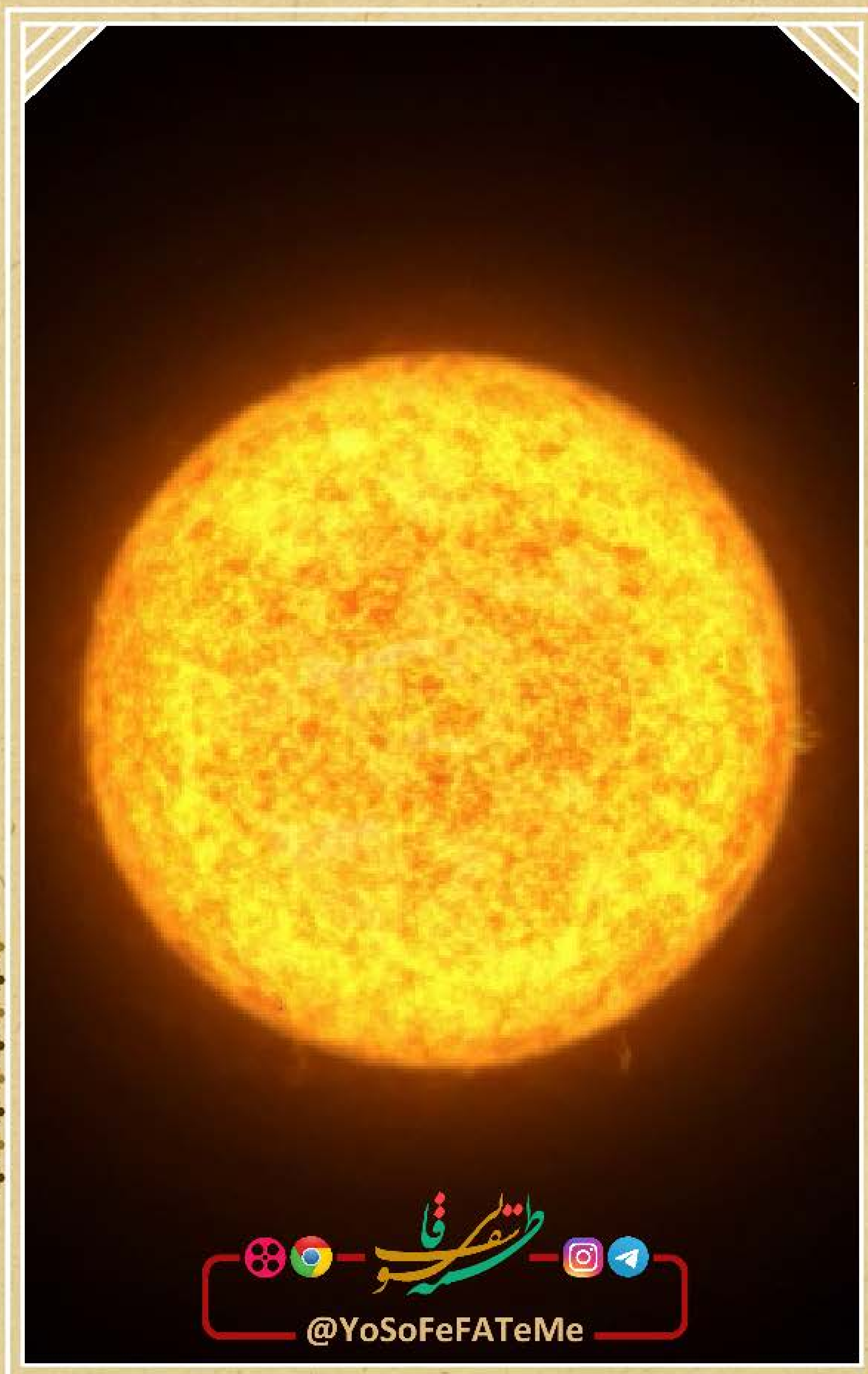
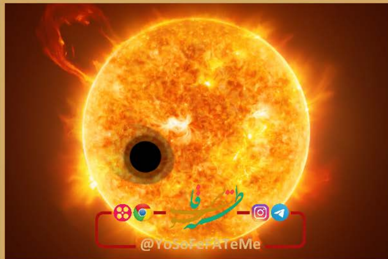


در صفحات بعد مشاهده کنید

حرکت خورشید در آسمان



چرخش خورشید بر عرش

ابی صباح کنانی، از اصبغ بن نباته روایت نموده که امام علی علیه السلام فرمود: خورشید، سیصد و شصت برج دارد که هر برج از آن برج‌ها مانند جزیره‌ای از جزایر عرب است و هر روز بر یکی از آن برج‌ها فرود می‌آید و چون غروب کند، به نزدیک عرش می‌رود و تا فردا هم‌چنان در سجده است. سپس به جایگاهی که از آن طلوع می‌کند، باز گردانده می‌شود و دو فرشته همراه آن هستند که صدا می‌زنند. روی خورشید به طرف اهل آسمان و پشت آن به سوی اهل زمین است که اگر روی آن به سوی اهل زمین باشد، زمین و هر آن‌کس که بر روی زمین است، از شدت گرمای آن می‌سوزد و معنای سجده کردن آن هم همان است که خداوند فرمود: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الأَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِنَ الناس



سجده خورشید نشانه اطاعت از امر خداوند

از ابی صباح کنانی روایت کرده است که او گفت: از امام صادق علیه السلام در باره این آیه پرسیدم: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ» حضرت فرمود: خورشید در هر شبانه روز چهار بار سجده می‌کند. اولین سجده زمانی است که در طرف افق قرار می‌گیرد. هنگامی که فلک از زمین خارج می‌شود و آن همان زمانی است که سفیدی را قبل از طلوع فجر در آسمان می‌بینی. گفتم: آری، جانم به قربانت. فرمود: آن فجر کاذب است. زیرا خورشید در حالی که در گوشه افق است و در حال سجده است، خارج می‌شود و چون از سجده خود برخیزد، آن وقت، فجر طلوع کرده و وقت نماز صبح می‌شود. اما سجده دوم، زمانی است که خورشید در وسط آسمان قرار می‌گیرد و روز بالا می‌آید و در این زمان، خورشید قبل از این که از وسط آسمان کنار رود و هنگامی که در برابر عرش قرار می‌گیرد به سجده می‌افتد و هنگامی که از سجده خود بر می‌خیزد، از وسط آسمان کنار می‌رود و وقت نماز عصر فرا می‌رسد. اما سجده سوم: زمانی است که خورشید از افق ناپدید می‌شود و به سجده می‌افتد و هنگامی که از سجده بر می‌خیزد، شب به پایان می‌رسد؛ همان‌طور که وقتی آن از وسط آسمان به کنار می‌رود، وقت عصر فرا می‌رسد که پایان روز می‌باشد

منبع اصلی انرژی و نور خورشید

رسول خدا فرمود: خداوند پیش از آن که آدم را بیافریند، من و علی و فاطمه و حسن و حسین را آفرید، در آن هنگام نه آسمانی بنا شده بود و نه زمینی گسترده شده بود و نه نوری بود و نه تاریکی و نه خورشیدی و نه ماهی و نه بهشتی و نه جهنمی. عباس عرض کرد: پس آغاز آفرینش شما چگونه بود ای رسول خدا؟ فرمود: ای عمو! وقتی خداوند خواست ما را بیافریند، کلمه‌ای سخن گفت و از آن نوری آفرید، سپس کلمه دیگری گفت و از آن روحی آفرید، سپس آن نور را با آن روح درآمیخت و مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین را آفرید، ما در آن هنگام که هیچ تسبیحی گفته نمی‌شد، او را تسبیح می‌گفتیم و در آن هنگام که هیچ تقدیسی نمی‌شد، او را تقدیس می‌کردیم

یوسف فاطمه





انرژی قدرتمند خورشید از نور امام حسن

وقتی خداوند متعال خواست خلق خود را بسازد، نور مرا شکافت و از آن عرش را آفرید، سپس نور برادرم علی را شکافت و فرشتگان را از آن آفرید، سپس نور دخترم را شکافت و آسمان‌ها و زمین را از آن آفرید، سپس نور فرزندم حسن را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید، پس خورشید و ماه از نور فرزندم حسن‌اند و نور حسن از نور خداست و حسن برتر از خورشید و ماه است، سپس نور فرزندم حسین را شکافت و از آن بهشت و پریان سیاه چشم را آفرید



علت حرارت آتش در خورشید

امام ششم علیه السّلام فرمود: سَلّام بن مُستنیر گفته است: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: چرا خورشید داغ‌تر از ماه است؟ فرمود: خداوند خورشید را از نور آتش و زلالیّت آب آفرید، یک لایه از این و یک لایه از آن، وقتی به طبقه و لایه هفتم رسید لایه و پوششی از آتش بر روی آن کشید؛ لذا خورشید داغ‌تر از ماه است. پرسیدم: ماه چطور؟ فرمود: خداوند ماه را از نور آتش و زلالیّت آب آفریده است، یک لایه از این و یک لایه از آن، وقتی به طبقه و لایه هفتم رسید، پوششی از آب بر روی آن کشید؛ لذا ماه سردتر از خورشید شد

عبد الرحمن بن سَیابه نقل می‌کند که به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: جانم به فدای شما! همانا مردم می‌گویند: اگر کسی از ستاره‌ها خوشش بیاید، نگاه کردن به آن‌ها حلال نیست. اگر به دین من زیان می‌رساند که من به دیدن آن‌ها نیازی ندارم و اگر به دین من زیانی نمی رساند، به خدا سوگند! من تمایل زیادی به ستارگان دارم و دوست دارم به آن‌ها نگاه کنم. حضرت فرمود: آن‌طور که مردم می‌گویند، نیست. نگاه کردن به ستاره‌ها، زیانی به دین تو نمی‌رساند. سپس فرمود: شما به چیزی می‌نگرید که بسیاری از آن، درک نمی‌شود و مقدار اندک آن سودی نمی‌رساند که طلوع ماه را اندازه گیری کنید. و حضرت سپس فرمود: آیا می‌دانی بین خورشید و برج سنبله چند دقیقه فاصله وجود دارد؟ و آیا می‌دانی بین برج سنبله و لوح محفوظ چند دقیقه فاصله وجود دارد؟ پاسخ دادم که: خیر، به خدا سوگند! نمی‌دانم. تا به حال در مورد آن، چیزی از ستاره شناسان نشنیده‌ام. عبد الرحمن گفت: حضرت فرمود: فاصله هر یک از این‌ها تا کناری آن، شصت تا هفتاد دقیقه است

یوسف فاطمه





نورافشانی خورشید در برابر نور عظیم کهکشان

امام صادق علیه السّلام فرمود: برای خدا شهری است در پشت دریا به مسافت چهل روز سیر خورشید، در آن مردمی هستند که هرگز نافرمانی نکرده‌اند و ابلیس را نمی‌شناسند

امام ششم فرمود: خورشید یک‌هفتادم از نور کرسی است و کرسی یک‌هفتادم از نور عرش، و عرش یک‌هفتادم از نور حجاب، و حجاب یک‌هفتادم از نور پوشش



رعد
آیه۲

اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا

خدا کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که بتوانید آن‌ها را مشاهده کنید، برافراشت

حرکت خورشید به سوی قرارگاه خویش

ابوذر غفاری نقل می‌کند که او گفت: دست پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته بودم و با هم قدم می‌زدیم و پیوسته خورشید را نگاه می‌کردیم تا آن‌که غروب کرد. به حضرت عرض کردم: ای رسول خدا! خورشید در کجا غروب کرد؟ حضرت فرمود: در آسمان، سپس از آسمانی به آسمان دیگر می‌رود تا این که به آسمان بلند هفتم می‌رسد و آن‌قدر می‌رود تا در زیر عرش قرار می‌گیرد

@YoSoFeFATeMe

رعد
آیه۲

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى

سپس بر عرش قرار گرفت. خورشید و ماه را مسخّر ساخت، که هر کدام تا زمان معیّنی حرکت دارند

پس در آن‌جا به سجده می‌افتد و فرشتگانی که اختیار او را در دست دارند با او خدا را سجده می‌کنند. سپس خورشید می‌گوید: ای پروردگار من! دستور بفرمائید که از کجا طلوع کنم، از مغرب یا از مشرق؟ و این سخن خدای عزّ و جلّ است که می‌فرماید: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ» منظور از رسیدن خورشید به قرارگاه خود، نشان دادن تدبیر خداوند تبارک و تعالی است که نسبت به آفریده‌های خویش کاملاً آگاه است

یس
آیه ۳۸

وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَٰلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ

و خورشید که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است. این تقدیر خداوند توانا و داناست

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به مقدار ساعت‌های روز، با توجه به طولانی بودن آن در روزهای تابستان و کوتاه بودن آن در روزهای زمستان، لباسی تابناک از عرش می‌گیرد و برای خورشید می‌آورد و خورشید هم‌چون انسان آن لباس را می‌پوشد و تا قبل از طلوع، با آن لباس در آسمان حرکت می‌کند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گویی که من با او هستم و او را می‌بینم آن‌گاه که به اندازه سه روز محبوس می‌شود و لباس نور را نمی‌پوشد و به او فرمانی می‌دهند تا از مغرب طلوع کند

الانبیا
آیه ۳۳

وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ

او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید. در حالی که هر یک در مداری شناورند

و ماه نیز همین گونه است. طلوع و حرکت آن به سوی افق آسمان و غروب کردن آن و اوج گرفتن تا آسمان هفتم، و آن‌گاه در زیر عرش به سجده می‌افتد، سپس جبرئیل برای او لباسی از نور می‌آورد که از جنس نور عرش است. این فرموده خداوند متعال به همین موضوع اشاره دارد: «هُوَ الَّذِی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» [اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد]. ابوذر -که رحمت خدا بر او باد- گفت: سپس من و رسول خدا صلی الله علیه و آله به کناری رفتیم و نماز مغرب را اقامه کردیم

تجربه نزدیک به مرگ فیبی: فهمیدم که من خودم هیچ‌چیز نمی‌دانم، هیچ‌کاری نمی‌توانم انجام دهم و خاص نیستم. متوجه شدم که این نوع ندانستن، نوع صادقانه‌ای است که همه مردم واقعاً هوشمند از طریق آن ادراک می‌کنند. فهم آن می‌تواند تظاهر و منیت را هویت خویش دانستن را از بین ببرد. آن‌گاه، فضا برای تفکرِ باز، وضوح فکر، تواضع واقعی، حس کنجکاوی طبیعی و آرامش ایجاد می‌شود. خدا به من نشان داد که او در حال ایجاد کردن، شکل دادن، و متحول کردن فُرم‌ها و جهان‌هاست، مانند هنرمندی که شاه‌کارهای خود را خلق می‌کند. خدا یا روح خارج از زمان وجود دارد و برای بودن به هیچ چیزی نیاز ندارد، ولی زندگی به دلیل ماهیت خلاقی که دارد، خود را از طریق قالب‌ها بیان می‌کند. ما موجوداتی خلاق هستیم. هیچ عجله، نیروی بد، رقابت، سنگینی، یا نگرانی وجود ندارد. این‌ها همه توهم است. زندگیِ ورای قالب و شکل که خدا است. به عبارت دیگر هیچ‌کاری نیست که تو، من، یا هر کس دیگر، انجام دهیم تا بتوانیم مانعِ بودن خودمان برای همیشه و همیشه به معنای واقعی کلمه بشویم. دقیقا همان‌طور که الان هستیم. در واقع، ابدیت لحظه حاضر است و همیشه هم همین‌طور خواهد بود. زمان یک توهم ایجاد شده توسط زندگی است. هر چیزی که وجود دارد و یا اتفاق می‌افتد در لحظه‌ی حاضر است، از جمله هر طرح و خاطره‌ای از گذشته و آینده



اشکال (فُرم‌ها) تکامل می‌یابند نه به خاطر این‌که زندگی آن‌ها را وادار به تکامل می‌کند، به شکلی که در تصورمان باعث انجام کارها می‌شویم (با اراده شخصی قوی) بلکه چون زندگی خود را از طریق فُرم‌ها آشکار کرده و به این تجلی تداوم می‌هد. جهان وجود دارد، برای اینکه زندگی بتواند خود را از طریق توهم قالب‌ها به تجربه و شناخت برساند. ما انسان‌ها یکی از قالب‌های بسیار تکامل یافته‌ایم در جهان خودمان هستیم که زندگی از طریق آن می‌تواند ذات خود را به طور کامل ببیند. زندگی، تجربه‌ها و هرچه در آن‌هاست را خلق می‌کند: کنش‌گران، اشیاء، مراحل، مناظر، و حوادث. هر مبارزه، تراژدی، اشتباه، و رویداد مخرب. مطلقا بدون هیچ استثنا توسط ذات و فطرت واقعیت، دیر یا زود به یک توانایی بیشتر تبدیل می‌شود و در نتیجه به تجلی الهی خدمت می‌کند. جوامع انسانی از شناسایی کل گروه، به فردگرایی در برخی از فرهنگها رسیده اند، و بسیاری در حال بازگشت به وحدت با آگاهی بیشتر هستند. ماهیتِ هر لحظه زیبایی، راستی، صراحت، بیداری، یادگیری، و بینش خلاق هرگز فراموش نشده و یا از دست نمی رود، و نه خاطره ی هیچ تجربه ای، حتی در حد ظریف ترین جزئیات ذرات کوچکتر از اتم، امواج انرژی، و در سطح دینامیک کوانتومی

بسیاری از تجلیات پر عظمتِ هستی، در خود وحدت در کثرت را تحت یک موضوع مشترک دارد. بدن انسان، که از ارگان‌های متنوع و انواع فراوان سلول تشکیل شده که هم‌کاری می‌کنند، نمونه بزرگی از وحدت در کثرت است. هم چنین تنوعِ پستان‌داران، تنوع پرندگان، تنوع قورباغه‌ها، تنوع ماهی‌ها، تنوع خاک‌ها، تنوع حشرات، تنوع درختان، تنوع گل‌ها، تنوع زیستی محلی، تنوع آب و هوای مناطق، تنوع محصولات، تنوع غذاها، تنوع سبک‌های هنری، تنوع سبک‌های موسیقی، تنوع لباس‌ها، تنوع ابزارها، تنوع معماری‌ها، تنوع حمل و نقل، تنوع کارها، تنوع استعدادها و توانایی‌ها، تنوع فیزیکی انسان‌ها، تنوع خانواده‌ها، تنوع فرهنگ‌ها، تنوع زبان‌ها، تنوع شخصیت‌ها، تنوع سن، تنوع ماجراها، و خیلی بیشتر روی سیاره زمین و فراتر از آن وجود دارد. تنوع باعث می‌شود جوامع، اکوسیستم‌ها، و نوع بشر تقویت شوند. هر فرد یک تجلی منحصر به فردِ هشیاری‌هستی یگانه است. هر یک زیبا است و دارای نقاط قوت و در عین حال هر کدام دارای محدودیت‌هایی نیز هست. هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی دوام بیاورد. هنگامی که یک مجموعه متنوع گرد هم می‌آیند، قدرت بزرگی شکل می‌گیرد. ویژگی‌ها، توانایی‌ها، عملکردها، نقاط ضعف، و کاستی‌ها متعادل می‌شوند. هماهنگی به وجود می‌آید

خداوند، هم تمامی تصاویر و نقش‌ها و هم فراتر از همه تصاویر و نقش‌هاست. خدا هر روحی را، هر مخلوقی را، و هر لحظه را بی‌نهایت و بدون قید و شرط دوست دارد. غیر از این نمی‌تواند باشد، چرا که خدا عالم مطلق و در همه جا حاضر است و هر قضاوتی در جهل ریشه دارد. خدا بی‌نهایت درک کننده و مهربان است. مطلقا هیچ ترجیح یا خاصگی وجود ندارد این‌ها توهمات است. او اساس هستی است، مبدأ بی‌فرم که همه از آن به دنیا می‌آیند و به آن بازگشت می‌کنند، مطلقا بدون استثنا. در واقع، ما همه همیشه با خدا یکی هستیم و تنها احساس می‌کنیم که این‌طور نیست، به خاطر توهماتی که در دنیا تجربه می‌کنیم. هیچ‌کس نیاز به ایجاد یا یافتن یک سیستم تعلق ساختگی انحصاری ندارد، آن‌هم در حالی‌که حقیقتا همهٔ ما به هستی با آن شکوه و عظمت تعلق داریم. یکی راه دیگر برای اشاره به این حقیقت این است که بگوئیم که ما همیشه با طبیعت یکی هستیم حتی زمانی که فراموش کرده باشیم. ما درختان، گل‌ها، سنگ‌ها، خاک، حشرات، کوه‌ها، ابرها، پرندگان، اقیانوس، امواج، باد، فصل‌ها، و آسمان پر ستاره روشن گسترده هستیم. ما نَفَس مادر طبیعت هستیم. ما بی‌کران، فضادار، و باستانی، مانند جهانی با میلیاردها کهکشان و هر یک با میلیاردها خورشید هستیم



در واقع، ما به عنوان انسان، جهان کوچکی نسبت به اکوسیستم‌ها، جهان‌ها، کهکشان‌ها، و کل عالم و نیز جهان بزرگی نسبت به مولکول‌ها، سلول‌ها، و ارگان‌ها هستیم. همه در ترکیب خود تقریبا به یک نسبت فضادار هستند. همه توسط هوشمندیِ زندگی ایجاد و نظم داده شده‌اند. همگی تولد، رشد، کاهش، و مرگ یا تغییر را تجربه می‌کنند. وقتی خدا را دیدم، ما یک لحظه صمیمی داشتیم که در آن من عمیق‌ترین واژه‌هائی که تاکنون بیان کرده بودم را ابراز کردم. این واژه‌ها با نور و لحنی دوست داشتنی از وجود من جاری و طنین‌انداز شدند: «تو ما [انسان‌ها] را خلق کردی تا خود را ببینی.» در آن لحظه، من مثل یک نوزاد لبخند می‌زدم. احساس می‌کردم که شفاف و نامحدود هستم، من می‌دانستم که هر کسی که حقیقت را صادقانه دنبال کند ملکوت الهی را خواهد دید و خواهد شناخت. خدا همیشه به دنبال وحدت با ماست. همان کسی که پذیرای آن باشد به این وحدت خواهد رسید. خدا بسیار (بی‌نهایت) بزرگ‌تر است، این ادراکات به این ترتیبی که من در این‌جا شرح دادم اتفاق نه‌یفتادند. بلکه، آن‌ها به طور هم‌زمان تجربه می‌شدند، گویا که تمامی این دانش و آگاهی محصول جانبی تجربه جوهر وجود خودم به عنوان مبدأ بود. آن‌چه ادراک شد، خارج از زمان است، هر چند برخی بخش‌ها به کلمات ترجمه شده و یا در زمان تجربه شدند



حیات داشتن جمادات و نباتات

تجربه نزدیک به مرگ آنتونی: حالا دیگر کاملاً آرام و خالی از ترس بودم. آن صدا به من گفت که می‌خواهد چیزی را نشانم بدهد و خودم را احساس می‌کردم که به سرعت به سوی نوری حرکت می‌کند، وقتی از نور گذشتم دیدم در جهانی دیگر پرواز می‌کنم. همه‌چیز در آن جهان از ماده‌ای ساخته شده بود که می‌توانم تنها آن را نوری روان توصیف کنم. همه‌چیز زنده بود، زمین، کوه‌ها، حتی آسمان. آن صدا هم‌چنان با من بود و در طول تجربه هرگز من را ترک نکرد. او گفت جایی که من هستم، جهان «حقیقی» است و باید در مدتی که آن‌جا بودم کاری را انجام می‌دادم. من روی یک زمین کوهستانی بایر نشستم، هیچ درخت، سبزه، رودخانه و غیره وجود نداشت. همه‌جا نور بود ولی خورشیدی نبود. به نظر می‌رسید نور از درون همه‌چیز، حتی از هوا می‌تابید







تجربه نزدیک به مرگ بنی: گونه‌ای احساس می‌کردم
که ذهنم بر روی تمام دانش هستی باز شده است و
اطلاعاتی در حجم و فشردگی بسیار زیاد وارد حافظه‌ام
می‌شد. همه‌چیز را می‌فهمیدم. همه‌چیز. احساس
شبه خدا شدن نبود بلکه بیشتر آگاهی کیهانی بود.
می‌توانستم روح بزرگ را در همه‌چیز ببینم. همه‌چیز
زنده است یا ترکیبی از تمامی آگاهی‌ها است. خاک،
صخره‌ها، نفس یک بز کوهی، باکتری، باد در مریخ،
میز تحریر من، بادهای خورشیدی ستارگان. همه‌چیز.



نیروی عظیم کائنات

محمد بن سنان، از مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: خداوند تبارک و تعالی، دو هزار سال پیش از آن‌که جسم‌ها را بیافریند، روح‌ها را آفرید و ارواح محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان پس از آن‌ها صلوات اللّٰه علیهم اجمعین را برترین و شریف‌ترین آن ارواح قرار داد و ارواح آن‌ها را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه داشت و نور آن‌ها، آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها را پوشاند. خداوند تبارک و تعالی به آسمان ها، زمین و کوه‌ها فرمود: اینان دوستان، اولیا و حجت‌های من بر خلقم، و امامان آفریدگانم هستند. تا به حال مخلوقی را محبوب‌تر از آنان نزد خود نیافریدم. به خاطر آنان و به خاطر کسانی که ولایت آنان را برگزیدند، بهشت خود و به خاطر کسانی که با آنان مخالفت و دشمنی ورزیدند، آتش جهنم خود را آفریدم



نیروی عظیم کائنات

پس هر کسی را که ادعا کند که دارای منزلت آنان نزد من و جایگاه آنان نزد عظمت من است، با عذاب دردناکی که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکرده باشم، شکنجه می‌کنم و او را به همراه مشرکان، در درک اسفل از آتش جهنم خود قرار می‌دهم و هر کسی را که به ولایت آنان اذعان کند و ادعا نکند که دارای منزلت آنان نزد من و صاحب جایگاه آنان نزد عظمت من است، به همراه آنان در باغ‌های بهشت خود قرار می‌دهم و هر چه را نزد من می‌خواهند، در بهشت برایشان فراهم می‌باشد. پس آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها از این‌که آن امانت را بر دوش کشند، امتناع ورزیدند و از این‌که مدعی منزلت آن شوند و جایگاه آن را نزد عظمت پروردگارشان آرزو کنند، هراسیدند

هنگامی که ما به تمام کیهان و این‌که در کجای آن قرار داریم، فکر کنیم متوجه می‌شویم که سیاره ما فقط یک ذره کوچک است. منظومه شمسی ما یکی از هزاران سیستم ستاره‌ای کهکشان راه شیری بوده و حتی کهکشان خود ما یکی از میلیاردها کهکشان جهان است. تصور این‌که جهان چقدر بزرگ است بسیار دشوار است، اما امروزه با تکنولوژی‌های پیشرفته ما درک بهتری از عمیق‌ترین بخش‌های فضا داریم. فقط در کهکشان راه شیری خودمان تعداد زیادی خورشید، سیاره، سیستم ستاره‌ای، دنباله‌دارها، سیاه‌چاله و سایر اشیاء فضایی را داریم. حرکت زمین به دور خورشید با سرعت ۳۰ کیلومتر در ثانیه یک سال طول می‌کشد، حرکت خورشید به دور کهکشان راه شیری با سرعت نزدیک به ۲۵۰ کیلومتر در ثانیه انجام می‌شود و دویست میلیون سال طول خواهد کشید تا یک‌دور کامل به دور راه شیری بچرخد. حتی کهکشان ما نیز ساکن نیست و با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ثانیه به سمت کهکشان آندرومدا حرکت می‌کند. اما سرعت همه‌ی این اجرام کمتر از سرعت تابش پس زمینه کیهانی است

مطالعات متعددی نشان می‌دهد که راه شیری و همسایگانش در یک جای پرت و دورافتاده از جهان قرار دارند. ساختار بزرگ مقیاس جهان از دور شبیه به یک شبکه‌ی عظیم کیهانی است که در آن نقاط متراکم که توسط حفره‌های عظیم و تقریبا خالی از یک‌دیگر جدا شده‌اند به وسیله‌ی رشته‌هایی به یک‌دیگر متصل شده‌اند. به نظر می‌رسد کهکشان محل سکونت ما بین سه حفره خالی به نام‌های کینن، بارگر و کوی، نام سه ستاره‌شناس مکتشف آن‌ها در سال ۲۰۱۳، احاطه شده است. سال گذشته یه تیم از دانشمندان به‌طور جداگانه به بررسی حرکت کهکشان‌ها در شبکه‌ی عظیم جهانی پرداختند تا بتوانند فرضیه‌ی قرارگیری کهکشان ما در یک فضای خالی از جهان را اثبات کنند. خورشید، رازهای بسیار زیادی در خود دارد. به نظر می‌رسد که در آسمان حرکت می‌کند ولی همه می‌دانیم این حرکتِ زمین است که باعث می‌شود فکر کنیم خورشید دارد حرکت می‌کند. در سال‌های پیش تصور مردم و حتی دانشمندها این بود که خورشید به دور زمین می‌چرخد ولی بالاخره مشخص شد که این زمین و بقیه سیارات هستند که دور ستاره اصلی منظومه یعنی خورشید می‌چرخند



چرخش تمام منظومه شمسی بر اطراف کهکشان

بعد از این اکتشاف، مردم فکر کردند خورشید حرکتی ندارد ولی مدت زیادی نگذشت که متوجه شدند در این‌باره هم اشتباه می‌کنند. خورشید نه‌تنها در فضا حرکت می‌کند بلکه تمام منظومه شمسی و خرده‌سنگ‌هایی را که به دورش می‌چرخند هم با خود حرکت می‌دهد. خورشید که تمامی سیارات به دور آن در حال چرخش هستند یک کره‌ی گازی در حال اشتعال است. بعضا شاهد زبانه کشیدن شعله‌های خورشیدی یا تشعشعات ناگهانی آن هستیم که در اثر آزاد شدن انرژی مغناطیسی موجود در اتمسفر ستاره‌ی خورشید اتفاق می‌افتد. دانشمندان فوران شعله‌های آتش از سطح خورشید را شراره‌های خورشیدی نام نهاده‌اند. با هربار زبانه کشیدن شعله‌های خورشیدی ذرات پرانرژی رها شده و در طول چند دقیقه به سطح زمین می‌رسند

انرژیی که خورشید برای یک ثانیه تولید می‌کند معادل میلیون‌ها سال فعالیت کارخانه‌جات ایالات متحده است. این انرژی بی‌کران سطح خورشید را به رنگ زرد- سفید در می‌آورد که دمایی در حدود ۵۸۰۰ کلوین دارد. خورشید این انرژی را از هم‌جوشی هسته‌ای-گرمایی از مرکز هسته‌اش به دست می‌آورد، جایی که دما ۱۵ میلیون کلوین و چگالی ۱۴ برابر می‌شود. با وجود این، چگالی بالا هسته نیز مانند کل خورشید حالت گازی دارد. ۹۱% لایه‌های بیرونی آن هیدروژن و ۹% آن هلیم و کمتر از یک‌دهم درصد آن مواد دیگر مانند اکسیژن، کربن، نئون و نیتروژن است. به خاطر گرما و فشار در هسته، هیدروژن به آرامی به هلیم تبدیل می‌شود و ماده تبدیل به انرژی می‌گردد، این انرژی به وسیله تابش منتقل می‌گردد و در لایه‌های بیرونی‌تر به وسیله همرفت (جابه‌جایی گاز داغ و سرد با یک‌دیگر) این انتقال صورت می‌گیرد. حدود ۵/۴ میلیارد سال از عمر خورشید می‌گذرد و اکنون نیمی از هسته خورشید هلیم است و هیدروژن باقی مانده برای سوختن و تبدیل شدن به مدت ۵ میلیارد سال و بیشتر کافی است.
خورشید به آرامی با دوره زمانی ۲۵ روزه به دور خود می‌چرخد و این چرخش و گازهای خروجی میدان مغناطیسی قوی حدود ۵ برابر زمین تولید می‌کند. چرخش باعث ایجاد لکه‌های خورشیدی می‌گردد

گرمای مغناطیسی دمای لایه‌های بیرویی تاج را به دو میلیون کلوین می‌رساند. خورشید بیش از 4.5 میلیارد سال درخشیده و هنوز میزان قابل توجهی گاز هیدروژن و هلیم روی سطح آن قرار دارد که همین حالا در حال سوختن است. به خاطر بزرگی بیش از حدی که دارد، گرانش فوق‌العاده قدرتمندی هم دارد و همین نیرو سبب کنار هم قرار گرفتن گازها می شود. ما از عبارت سوختن استفاده کردیم اما حقیقتا خورشید نمی‌سوزد، بلکه یک رآکتور هسته‌ای بزرگ است که هر ثانیه در آن واکنش های شیمیایی در حال انجام شدن است. علاوه بر نورها، خورشید ذرات پر انرژی هم‌چون نوترون و پروتون را هم به بیرون پرتاب می‌کند که سبب ایجاد بادهای خورشیدی می‌گردند. همین انرژی است که به زمین برخورد کرده و هوا را گرم می‌کند. البته جو زمین در برابر این بادها و امواج پرانرژی می‌ایستد و از آسیب رسیدن به ما جلوگیری می‌کند. خورشید زمین را گرم و روشن می‌کند. گیاهان و جانوران نیز انرژی خورشیدی را لازم دارند تا زنده بمانند. اگر خورشید نبود یا از زمین خیلی دورتر بود و گرمای کمتر به ما می‌رسید، سطح زمین خیلی سرد و تاریک می‌شد و هیچ موجودی نمی‌توانست روی آن زندگی کند. همه ما به انرژی نیاز داریم، انرژی مانند نیرویی نامرئی در بدن ما وجود دارد و آن را بکار می‌اندازد



اگر انرژی به بدن نرسد، توانایی انجام کار را از دست می‌دهیم و پس از مدتی می‌میریم. ما انرژی را از غذایی که می‌خوریم به‌دست می‌آوریم. با هر حرکت و کاری که انجام می‌دهیم، بخشی از انرژی موجود در بدن صرف می‌شود. حتی برای خواندن این مطلب هم مقداری انرژی لازم است. برای همین باید هر روز غذاهای کافی و مناسبی را بخوریم. گیاهان و جانوران نیز برای زنده ماندن و رشد و حرکت، به انرژی نیاز دارند، که منشأ همه این‌ها از خورشیدمی‌باشد. چگالی متوسط خورشید عمدتا ترکیبی از گازهای هیدروژن و هلیوم می‌باشد. سه چهارم گاز درون خورشید از هیدروژن که سبک‌ترین گازها است، تشکیل یافته است. در اعماق داغ آن، اتم‌های هیدروژن فشار زیادی بر هم وارد می‌کنند. گروهی از آن‌ها با چنان شدتی به گروه دیگر برخورد می‌کنند که در هم می‌آمیزند و ماده کاملا جدیدی به نام هلیوم تشکیل می‌یابد. خورشید علاوه بر گرما و نور، تابش‌های دیگری نیز گسیل می‌کند که برای موجودات زنده، زیان‌بار است. پرتوهای ایکس و فرابنفش سلول‌های گیاهان و جانوران را نابود می‌کنند. پوشش جو تقریبا به سطح زمین می‌رسد و در روزهای آفتابی، سبب برنزه شدن پوست می‌شود. حتی ممکن است در اثر تابش بیشتر خورشید دچار آفتاب‌زدگی شویم



می‌توانیم نتیجه بگیرم به جهت آن‌که تمام امور و تقدیرات نظام‌هستی بر اساس یک‌سری دستورات پنهان از پیش داده شده در حال اجراست. این امور از یک منبع قوی و کامل که در عین حال دیدنی نیست و مانند امواج و فرکانس در حال رفت آمد است به صورت هوشمند بر حاله صادر شدن به یک مقصد درستی است. همه‌ی کائنات در زیر سلطه نیرویی بزرگ قرار دارند و اگر ما با یک نگاه دیگر به آن بنگریم متوجه می‌شویم که این اتفاقات از سوی مدبری آگاه و حکیم و علیم در حال صورت گرفتن است و هیچ موجودی توانایی دخالت در تقدیر هماهنگ آفرینش را ندارد و نخواهد داشت. ستایش از آن پروردگار بزرگی‌ست که تمام دستورات خویش را با یک نظم‌بندی و چارچوب‌گری خاصی به عمل آورد و جهان هوشمند و پایداری را خلق کرد تا زندگی در ره خویش جریان یابد و شاهد و تماشاگر بزرگی او در عظیم‌ترین موارد در دنیای خویش باشیم. در کار او هیچ اختلال و مشکلی وجود ندارد و از عالی‌ترین فعالیت‌ها و پردازش‌ها برخوردار است. خداوندا ما همه زیر سلطه قدرت بزرگ تو در گیتی ناشناخته هستیم اگر وجود تو یک لحظه در این جهان گم شود همه‌چیز به درجه نابودی و هلاکت می‌سد و به ناپایداری ملحق می‌شود، همه ما به امنیت و پایداری تو در کائنات و زندگی احتیاج داریم و مرگ بر ما از آن‌روزی که با مخالف به فرمان شما جنگی در برابر تو به پا کردیم که جزء اصلی‌ترین زیان‌کاران خواهیم بود

